روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۶ دی ۱۴۰۰ • ۲۲ جمادی‌الاول ۱۴۴۳ • ۲۷ دسامبر ۲۰۲۱
سال نوزدهم • شماره ۴۱۸۰ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۵ • اذان مغرب ۱۷:۱۸
اذان صبح فردا ۵:۴۳ • طلوع آفتاب ۷:۱۳

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

حال و هوای مدارس ارامنه در آستانه سال نو میلادی، عکس: مهدی ماهری، پانا

کودکی

آیا نسل کرونا، جهان را زیباتر می‌کند؟

تریسی بروور چندی قبل در تایم مقاله‌ای نوشت که در آن ابراز امیدواری کرده بود که نسل جدید، پس از همه‌گیری، تواناتر هستند و با ذهنیت روشنی پیش می‌روند. این روان‌پزشک کودکان البته به نگرانی‌های بسیاری از خانواده‌ها در رابطه با محدودیت‌هایی که همه‌گیری به دنبال داشت نیز اشاره می‌کند و می‌نویسد «تفاوت‌های نسلی معمولا بر اساس گروه‌هایی از افراد است که در شرایط مشترک به سن بلوغ می‌رسند و بر این اساس درک آنها از خودشان و نظراتشان درباره دنیای اطراف شکل می‌گیرد. وقایع کلیدی تاریخی و روندهای اجتماعی، تأثیر قابل توجهی بر نحوه تفکر، رفتار و درک آنها از جهان دارد. هرچند رفتارهای این نسل - که دیدگاه‌هایشان از طریق همه‌گیری ویروس کرونا شکل می‌گیرد - بدبینانه، ترسناک یا بر مبنای ناامنی باشد، اما همچنین قابل تصور است که آنها به روش‌های مثبت‌تری رفتار کنند». در ادامه مقاله نویسنده پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه‌ای از رویکردی که احتمال دارد نسل جدید در پیش بگیرد، جمع‌بندی و ارائه کرده است:

نحوه بودن در جامعه

توجه به دیگران: این نسل شرطی شده تا تأثیر خود بر دیگران را در نظر بگیرد. به دلیل احتمال انتشار میکروب و انتقال ویروس، به طور روزانه درمورد تأثیر اعمال هر فرد بر دیگران - از اصول اولیه مانند تنفس تا فعالیت‌های روزمره مانند خرید مواد غذایی - را در بر می‌گیرد. این نسل باور دارد که تمام فعالیت‌های هر فرد بر اطرافیان تأثیر می‌گذارد. شاید این نسل یاد بگیرند که برای جامعه و اطرافیان خود دلسوز باشند.

گذراندن زمان با خانواده: این نسل زمان قابل توجهی را در کنار خانواده گذرانده است. حلقه‌های آنها کوچک بوده و احتمالا شامل خانواده نزدیک یا شاید نزدیک‌ترین دوستان یا اقوامشان بوده است. این می‌تواند سبب ظهور نسلی شود که پیوندهای نزدیک‌تری با خواهران و برادران خود دارد و از صرف وقت با خانواده خود لذت می‌برد.

همدلی: چالش‌های سلامت روان به طور پیوسته در حال افزایش است و تحقیقات اثرات عاطفی منفی ویروس کرونا را نشان می‌دهد. تروما‌ی پس از بیماری شایع است. این ممکن است نسلی از جوانان را خلق کند که نسبت به نیازهای انسان آگاهی بیشتری دارند و به مسائل مربوط به سلامت روان اهمیت و همدلی بیشتری نشان می‌دهند.

زندگی در لحظه

سرعت کندتر: پیش از کرونا، سرعت زندگی بالا بود و مشغله‌داشتن، افتخار بود. همه‌گیری سبب شد تا بسیاری از فعالیت‌ها را متوقف کنیم. کارهای کمتری برای انجام‌دادن، مکان‌های کمتر برای رفتن و در نهایت کاهش سرعت. اینها همان جوانانی هستند که به جای رویدادهای مفصل، جشن تولد در خانه با تعداد انگشت‌شماری از دوستان را برگزار کرده‌اند. این ممکن است سبب تربیت نسلی شود که انرژی خود را صرف چیزهایی کوچک، معنادار نه اسراف‌آمیز کند، نسلی که هوشیارتر باشد و به دیدار بیشتر علاقه داشته باشد.

در آغوش‌گرفتن طبیعت: مردم به طور فزاینده‌ای به سراغ طبیعت رفته‌اند زیرا احساس امنیت بیشتری می‌کنند (میکروب‌ها بی‌ضررتر در هوا پخش می‌شوند) شاید این نسل همراه کودکانی باشد که بیشتر قدر طبیعت را بدانند و از مزایای آن برای سلامت روحی و جسمی خود بهره ببرند.

یادگیری و سپاسگزاری

راه‌های جدید برای برقراری ارتباط: با کاهش ارتباطات حضوری، انواع ارتباطات مجازی ضروری شد؛ از کنفرانس ویدئویی تا گفت‌وگوهای از راه دور. این راه‌های ارتباطی مستلزم مهارت‌های جدیدی در گوش‌دادن به لحن صدا، تماشای بادقت صورت و توجه به نشانه‌های غیرکلامی از طریق صفحه نمایش یا از فواصل دورتر بود. این نسل ممکن است راه‌های جدیدی برای ایجاد ارتباطات واقعی کشف کند.

مهارت‌های جدید: همه‌گیرشدن سبب شد تا آموختن بیشتر و بیشتر شود و به دنبال روش‌های جدید و خلاقانه برای سرگرمی باشند. آنها ممکن است مهارت‌هایی را که تا حد زیادی فراموش شده‌اند مانند بافندگی یا قلاب‌بافی و حتی کیک‌پزی یاد بگیرند.

قدردانی از همه چیز: وقتی کنترل محدود است و خیلی چیزها از بین می‌رود، ما قدر چیزها را به خاطر نبودشان می‌دانیم. این ممکن است سبب شود حتی بچه‌هایی باشند که هوس می‌کنند به کلاس درس برگردند و حتی برای یک شام ساده بیرون بروند. این نسل ممکن است حتی برای چیزهای کوچکی مانند لوازم اولیه یا فرصت باهم‌بودن با دوستانشان، بیشتر سپاسگزار باشد.

خلاقیت و سخاوت

نوآوری: این بیماری همه‌گیر، محدودیت‌های قابل توجهی را برای انجام کارهای روزمره اعمال کرده است. این می‌تواند سبب تربیت نسلی شود که راه‌های جدیدی برای انجام کارها، کشف رویکردهای تازه به مشکلات یا پاسخ‌های غیرمنتظره به مسائل حل‌نشده پیدا کند.

سازگاربودن: همه‌گیری فوق‌العاده سخت بود، هرکس به دنبال پیداکردن راه‌حلی برای گذر از آن بود. در این مدت تاب‌آوری افراد مورد چالش قرار گرفت. شاید این سبب تربیت نسلی باشد که یاد می‌گیرند در مواجهه با مشکلات پافشاری کنند و به راه خود ادامه دهند، حتی در یک زمین سنگلاخ؛ نسلی که سطوح جدیدی از اراده را نشان می‌دهد.

اما درنهایت آنها یک نسل «چه می‌شد اگر» هستند که با امکانات فراوانی روبه‌رو هستند. آنها ممکن است نسلی باشند که می‌توانند در اجتماع باشند و حضور داشته باشند و بر یادگیری و قدردانی تأکید کنند. آنها ممکن است نسلی باشند که نه‌تنها قدردان، بلکه خلاق و مصمم هستند. این امید وجود دارد که این نسل به رویکردی خوش‌بینانه، توانمندانه و دلسوزانه دست یابد که به نوبه خود شکل بهتری به جهان دهد.

آکادمی

جزیره

بابک زمانی
نورولوژیست

هرکس می‌تواند در کنکور پزشکی شرکت کند و بعد از چند سال پزشک شود. با تعدد دانشکده‌های پزشکی و امکانات دیگری که به‌تازگی از طریق سهمیه‌ها فراهم شده! خیلی دشوارتر از بسیاری رشته‌های دیگر نیست؛ اما یک تفاوت اساسی وجود دارد که این یادداشت بنا دارد ریشه‌های آن را پی بگیرد و دعوت به تأمل در این ریشه‌ها بکند. یکی، دو سال بعد از کنکور وارد جزیره‌ای می‌شوید که عرصه عمومی هیچ احساس مشترکی با شما نخواهد داشت. هنگام نیاز وقتی وظیفه کاری خود را انجام می‌دهید، گاه بسیار شما را عزیز می‌دارند (اگرچه ممکن است احساس کنی ظاهری است و آن اعتماد عمیق هر روز ضعیف‌تر از دیروز می‌شود). از سوی دیگر کسی که وارد جزیره شد، خود را مخاطب هر موج انتقادی که بی‌محابا و از روی بی‌مسئولیتی به طور کلی به جانب «پزشکان» حواله شد، می‌پندارد، ناراحت می‌شود و همان‌طور کلی پاسخ می‌دهد.

کمتر غیرپزشکی روز پزشک یا روز معلم را به شما تبریک می‌گوید؛ مگر آنکه بیمار یا آشنای شما باشد یا مسئول اداره‌ای که این تبریک جزء وظایف سازمانی اوست. فضای مجازی آکنده می‌شود از تبریک‌های پزشکان به یکدیگر؛ گاه به اغراق به خاطر فقدان صمیمیتی که از کمبود پیام‌های دیگران احساس می‌شود. وقتی پزشکی در شهری دور مضروب می‌شود، تنها فضاهای مجازی پزشکان است که آکنده می‌شود از نظرات احساسی، باز هم شاید به اغراق! هرگاه قیل‌وقال تعرفه برمی‌خیزد هیچ‌کس غیر از پزشکان درمورد آن لب نمی‌گشاید، هیچ‌کس از حکیم‌باشی پزشک عمومی سر کوچه که از کودکی سوزش آمپول و طعم شربت‌های او را در یاد دارد، دفاع نمی‌کند. شاید هم حکیم‌باشی فوت کرده باشد، شاید به کانادا رفته، شاید به کار دیگری مشغول شده. راستی چه شد این آقای دکتر مهربان؟ هیچ‌کس به زوال یک شغل حتی به قدر زوال یک رده از پرندگان بهایی نمی‌دهد.

گوینده‌ای که سال‌هاست به حرفه مخالفت با پزشکان اشتغال دارد و در این حرفه نام‌ونانی برای خود کسب کرده، وقتی مثل همیشه در کانال تلویزیونی که در اختیار خود دارد، به «پزشکان» ناسزا و تهمت روا می‌دارد، حتی به خود زحمت نمی‌دهد مکثی کند و حداقل با جمله‌ای دستیاران تخصصی، پزشکان عمومی و استادان تمام‌وقت دانشگاهی را که دیگر همه می‌دانند در بدترین شرایط معیشتی به سر می‌برند، جدا کند؛ اما وقتی وارد بحث با او می‌شوی، معلوم می‌شود مقصودش اینها نبوده‌اند؛ اما شما باید خودت زحمت این حدس را می‌کشیدی و وقتی از درآمد نجومی پزشکان صحبت می‌کند، چند پزشک زیبایی را که به هر دلیل می‌شناسد و از معروف‌ترین‌ها هم هستند، به همه تعمیم می‌دهد.

وقتی پزشکان شامل کارشناسان رسمی وزارت بهداشت، افزایش ظرفیت آموزش پزشک در کشور را امکان‌پذیر نمی‌دانند، با گستاخی تمام کارشناسان و پزشکان سالخورده را با بدترین شیوه متهم می‌کنند که نمی‌خواهند دست زیاد شود، ساکنان جزیره خواهان ساکنان بیشتر نیستند.

در اینکه مشکلات بزرگی در سیستم سلامت کشور وجود دارد، تردیدی نیست. اینکه مسئله اقتصاد در رابطه پزشک و بیمار هر روز عمده‌تر می‌شود، آشکار است و در اینکه در فضای گل‌آلود، منفعت‌طلبی رشد می‌کند تردیدی نیست؛ آنچه عجیب است این است که چرا جامعه شامل عوام و خواص تنها پزشکان را مسئول این سیستم می‌بینند و درک نمی‌کنند که با سقوط روزافزون کار بالینی، که عامل اصلی نارضایتی عمومی است، پزشکان هم جزء قربانیان اصلی هستند؛ چراکه جوهره اصلی زندگی‌شان بر باد فنا می‌رود. دفاع از ساکنان جزیره در سطح هیچ روشنفکر باکلاسی نیست، دفاع از سیستم سلامت را دفاع از پزشکان و دون شأن خود می‌دانند؛ ولی به مجرد کوچک‌ترین خلاف و خطای احتمالی آن هم در حق یک هنرمند برجسته، روحیه روشنفکری حکم به یک مداخله عمومی می‌کند. این در حالی است که مثل سایر مسائل اساسی کشور تا زمانی که درخواست‌های عمومی برای نجات سطح سلامت کشور صورت نگیرد، هیچ‌چیز تغییر نخواهد کرد. پزشکان و جوامع پزشکی وقتی از تعرفه صحبت می‌کنند، مقصودشان نرخ تمام‌شده خدمات است، مقصودشان میزان پولی است که بیمه‌ها و دولت باید برای خدمات سلامت هزینه کنند و معیشت پزشکان اولویت اصلی ایشان نیست. وقتی از معیشت صحبت می‌کنند هم مقصودشان در درجه اول معیشت پزشکان عمومی، دستیاران تخصصی و استادان جوان رشته‌های داخلی است. اوضاع بسامان این گروه‌ها می‌تواند مهم‌ترین انگیزه برای تحصیل و ماندگاری جوانان در کشور به شمار رود. اینها همه چیزهایی نیست که پزشکان به‌تنهایی از جزیره خود درخواست کنند و شنیده شود، نیازمند صداهایی قوی از داخل عرصه عمومی است، از خود ساحل. آری دغدغه ساکنان جزیره در درجه اول سلامت مردمانی است که در ساحل دوردست به سر می‌برند و در درجه بعد کیفیت کاری که جوهره زندگی ایشان است و برای آن آموزش دیده‌اند. چگونه می‌توان از این جزیره تا ساحل پل یا پل‌هایی بزرگ احداث کرد؟

زیر آسمان جهان

کریسمس باز هم زیر سایه کرونا

تعطیلات کریسمس در جهان آغاز شده است؛ اما مسئله کرونا و شیوع سویه جدید آن، بسیاری را تحت‌الشعاع قرار داده است. براساس اطلاعات منتشرشده از سوی «فلایت‌اور»، روز یکشنبه بیش از هزارو ۵۰۰ پرواز در سراسر جهان لغو شده است. در نتیجه شمار پروازهای لغوشده در شب کریسمس، روز کریسمس و روز پس از کریسمس در سراسر جهان به حدود پنج‌هزارو ۹۰۰ مورد می‌رسد. شرکت‌های هواپیمایی آمریکایی و چینی دراین‌بین بیشترین خسارت را متحمل شده‌اند. انتظار می‌رود آمار لغو پروازها در روز دوشنبه نیز ادامه داشته باشد.

شرکت‌های هواپیمایی کمبود نیروی کار ناشی از شیوع سویه اُمیکرون ویروس کرونا را علت این اتفاق عنوان کرده‌اند. به گفته شرکت‌های هواپیمایی لغو پروازها در نتیجه مثبت‌شدن نتیجه آزمایش کرونای کارکنان و لزوم قرنطینه آنها صورت گرفته است. «یونایتد» چندی پیش اعلام کرده بود که شیوع اُمیکرون تأثیر مستقیمی بر خدمه پرواز و مسئولان این شرکت داشته است. با این حال «چاینا ایسترن» با بیش از ۳۵۰ مورد، بیشترین پرواز لغوشده را در روز یکشنبه به ثبت رساند.

فرودگاه واقع در شهر «شی‌آن» کشور چین نیز با حدود صد پرواز لغوشده، تاکنون بیشترین آمار لغو پرواز را ثبت کرده است؛ اما درباره دانشگاه‌ها نیز هنوز سایه کرونا وجود دارد و دانشگاه هاروارد اعلام کرد به دلیل شیوع مجدد کووید ۱۹، برای ژانویه سال ۲۰۲۲ میلادی، آموزش مجازی را از سر خواهد گرفت. این دانشگاه در تشریح دلایل این تصمیم گفته که با توجه به افزایش سریع موارد ابتلا به کووید ۱۹ در سطح محلی و در سراسر کشور (آمریکا) و همچنین شیوع روبه‌رشد سویه بسیار مسری اُمیکرون، چنین تصمیمی اتخاذ شده است. همچنین خدمات کتابخانه آنلاین و برخی از خدمات کتابخانه به صورت حضوری در دسترس اعضای دانشگاه هاروارد خواهد بود. دانشگاه هاروارد پیش‌ازاین تأیید کرده که سویه اُمیکرون کرونا در میان اعضای این دانشگاه وجود دارد. مسئولان دانشگاه هاروارد اعلام کردند: در حال برنامه‌ریزی برای بازگشت به فعالیت‌های پررنگ‌تر در محوطه دانشگاه در اواخر ژانویه هستند، البته این امر منوط به این است که شرایط بهداشت عمومی اجازه دهد. ما به نظارت بر وضعیت ادامه خواهیم داد.

شاید یکی از خبرهای این روزها ماجرای واردات درخت کریسمس به عربستان است که طبق گزارش ایسنا از روزنامه عربی ۲۱، دولت این کشور رسما تأکید کرد واردات درخت کریسمس به این کشور برای جشن سال نو میلادی هنوز ممنوع است. صفحه خدمت مشتریان مرکز زکات، مالیات و گمرک عربستان توییت کرد: واردات درخت کریسمس و هر نمادی از ادیان غیر از اسلام ممنوع است. هرچند برخی کاربران توییتر اعلام کردند که درخت کریسمس و سایر کالاهای مربوط به جشن سال نو میلادی مسیحیان در مراکز تجاری عربستان مشاهده شده‌اند. از سال ۲۰۱۷ که محمد بن‌سلمان ولیعهد عربستان شده، این کشور تصمیمات بی‌سابقه‌ای همانند صدور مجوز برای فعالیت سینماها و صدور گواهینامه رانندگی برای زنان گرفته و تغییرات زیادی رخ داده است که از جمله آنها رفع ممنوعیت سینما و حضور خانواده‌ها در ورزشگاه برای تماشای فوتبال است.

همسایه ها

مهاجرت فقط با لباس تن

● **ایسنا:** به‌تازگی کرزی اعلام کرده است برای نجات مردم افغانستان از گرسنگی، وقتش است که جهان با طالبان همکاری کند. چند روز پیش در مراسم اهدای جوایز ترویج علم، آیت‌الله محقق‌داماد گفت بسیاری از دانشمندان و علمای افغان در کشورهای جهان آواره‌اند، آن‌هم بابت افرادی که به اسم دین رفتار می‌کنند. وضعیت مهاجران افغان که به ایران آمده‌اند نیز چندان مساعد نیست. خبرگزاری ایسنا، گزارشی از مشهد تهیه کرده که بسیار تأثیربرانگیز است. مردان و زنانی که داروساز بودند، مدیر مدرسه بودند، حالا کارگری می‌کنند اگر کار باشد و همه چیز را از دست داده‌اند؛ از شغل و خانه و خودرو گرفته تا جایگاه اجتماعی‌ای که در کشور خود داشته‌اند. آنها وطن‌شان را باخته‌اند. آنها با عبور از دیوار یا رودخانه مرزی به زابل رسیده و سپس به تهران می‌روند. مقصد بیشترشان تهران است. قاچاق‌بر هم پولش را در تهران دریافت می‌کند؛ نفری هفت تا ۱۲ میلیون تومان. پس از آن هرکس به یکی از شهرها می‌رود. بخشی از افغانستانی‌هایی که به صورت غیرقانونی وارد کشور می‌شوند، به مشهد می‌آیند و در مناطق ارزان شهر ساکن می‌شوند. حجم مراجعه در ماه‌های اخیر آن‌قدر زیاد بوده که قیمت مسکن را افزایش داده است؛ خانه‌ای که در ابتدای سال جاری به قیمت پنج میلیون تومان رهن داده می‌شد. خانه‌های عموما کوچک با گچ‌بری‌های ریخته‌شده و درهای زنگ‌زده، خانه‌هایی که بیشترشان یک لامپ برای روشنایی دارند و به‌جای شیشه‌های شکسته‌شده هم روزنامه چسبانده‌اند. خانه‌هایی که با کمک خیرین چند وسیله ابتدایی زندگی را در آنها جای داده‌اند. خانمی که اگرچه خودش به صورت قانونی و از مرز آمده اما همسر نظامی و فرزند هفت‌ساله‌اش به صورت غیرقانونی با پرداخت ۱۴ میلیون تومان به یک قاچاق‌بر به مشهد آمده‌اند، خانه‌شان را به قیمت بسیار پایین اجاره داده و وسایل خانه را فروخته‌اند و فقط با لباس‌هایی که بر تن داشته‌اند خود را به مرز رسانده و فرار کرده‌اند. تعداد کمی از مهاجران با تاکسی دربست از سیستان‌وبلوچستان به مشهد می‌آیند و اکثر آنها با عبور از شهرهای کرمان، شیراز، یزد، قم و... به تهران می‌روند. مهاجران هیچ وسیله‌ای همراه خود ندارند و پول قاچاق را هم پیش از حرکت از افغانستان به حساب شخص سومی واریز می‌کنند و زمانی که به تهران می‌رسند با آن شخص تماس می‌گیرند تا پول را به حساب قاچاق‌بر واریز کند. چنانچه این پول واریز نشود، افراد در خوابگاهی حبس می‌شوند؛ خوابگاهی که هیچ امکاناتی ندارد و تمامی مهاجران با عبارتی مانند «افتضاح، وخیم، بسیار بد و...» از شرایطش یاد می‌کنند. در این خوابگاه‌ها، افراد تنها یک وعده غذایی بسیار ساده دریافت می‌کنند و اجازه خروج از آنجا را هم ندارند. چنانچه مدت زمان زیادی پول برای قاچاق‌برها واریز نشود، از افراد سوءاستفاده‌های مختلفی صورت می‌گیرد. یکی از این سوءاستفاده‌ها به‌کارگیری افراد در مزارع مختلف است. بسیاری از مهاجران «رد مرز» را تجربه کرده‌اند. محمدرضا ۵۹ساله در افغانستان مدیر مدرسه بود. او به وسیله پاسپورت و از مرز دوغارون به مشهد آمده است. به‌جز محمدرضا که هر چند روز سر ساختمان می‌رود، سایر افراد خانواده هم شغلشان اتوکردن روسری است. هزار شال و روسری از بعضی مغازه‌ها تحویل می‌گیرند، آنها را اتو کرده و درون پلاستیک می‌گذارند.

ابریشم، افسانه، آسمان و گل‌پری چهار دختر یک خانواده افغانستانی هستند که در کشور خودشان به ترتیب ماما، داروساز و اپیدمیولوژیست بوده‌اند؛ گل‌پری هم در سن کنکور قرار داشته است. آنها اکنون در ایران شغلی ندارند. این خانواده ۱۷نفری در منزل کوچکی که اجاره کرده‌اند زندگی می‌کنند و خانه آن‌قدر کوچک است که به دلیل کمبود جا، صبح تا شب را در پارک‌های نزدیک خانه می‌گذرانند و فقط شب برای خوابیدن به منزل می‌آیند؛ نصف جمعیت درون خانه و نصف دیگر در حیاط می‌خوابند. مادر این چهار خواهر می‌گوید: از ترس جان دخترانم فرار کردم. از ولایت‌های دیگر شنیده بودم که با دختران چه رفتاری می‌کنند؛ بنابراین سریع فرار کردیم. آنها اگرچه از افغانستان‌شان فرار کرده‌اند، اما همگی شوق بازگشت دارند. امید دارند که روزی وضعیت کشورشان بهبود یابد تا برگردند. «جان‌هایشان» یا همان بچه‌هایشان را برداشته و گریخته‌اند، اما آینده جان‌هایشان را در افغانستان می‌بینند. افسوس می‌خورند. معتقدند روزی درست می‌شود. از کشورشان که حرف می‌زنند، بغض‌شان پیداست.

اتفاق

ورایتی: «دنیل کریگ» از گزارش‌های غیررسمی تولید اسپین‌آف تلویزیونی برای «جیمز باند» انتقاد کرد. کریگ می‌گوید: «یکی از بهترین اتفاقات اکران این فیلم در سالن‌های سینما بود. جای فیلم‌های باند اینجاست. روی گوشی موبایل چندان خوب به نظر نمی‌رسند، اما در سینماهای آیمکس عالی‌اند. روی پرده ۳۰ فوتی عالی‌اند. تا وقتی چنین فیلم‌هایی ساخته شود، سینما فرصتی برای بقا دارد».

بی‌بی‌سی: آفریقای جنوی خواستار توقف یک حراج برنامه‌ریزی‌شده برای فروش کلید سلول زندانی شده که زمانی نلسون ماندلا، رئیس‌جمهوری سابق آفریقای جنوبی، در آن نگهداری می‌شد. این زندان در جزیره روبن واقع است. ناتی متاتو، وزیر فرهنگ آفریقای جنوبی، این حراج را محکوم کرد و گفت این کلید به مردم این کشور تعلق دارد و باید جلوی فروشش را گرفت.

کرونن تسایتونگ: سباستین کورتس، صدراعظم سابق اتریش، اوایل فوریه شغل جدید خود را در یک شرکت بین‌المللی در سیلیکون‌ولی آمریکا آغاز خواهد کرد. قرارداد این کار امضا شده و باید به‌زودی تعهد کاری جدید او به اطلاع عموم برسد. صدراعظم سابق اتریش «یک زندگی مدیریتی کلاسیک» در پیش خواهد گرفت و بین سانفرانسیسکو، وین، آلمان و سوئیس سفر خواهد کرد.

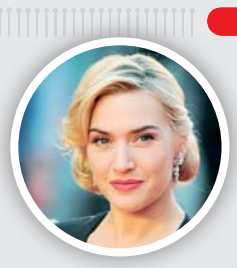

گاردین: کیت وینسلت از ملاقات اخیرش با دی‌کاپریو می‌گوید: «نمی‌توانستم جلوی اشک‌هایم را بگیرم. نیمی از عمرم او را می‌شناسم! این‌گونه نیست که اگر من در نیویورک باشم یا او در لندن باشد، فرصتی برای خوردن شام یا قهوه پیش آید. نتوانسته‌ایم کشورهای خودمان را ترک کنیم. مثل خیلی از روابط دوستانه در سراسر دنیا، به خاطر کووید دلتنگ یکدیگر شدیم».

الجزیره: دزموند توتو، اسقف اعظم آفریقای جنوبی و برنده جایزه صلح نوبل، در ۹۰سالگی درگذشت. رئیس‌جمهوری آفریقای جنوبی گفت: درگذشت اسقف اعظم فصل دیگری از وداع ملت ما با نسلی است که برای ما یک آفریقای جنوبی آزادشده را به ارث گذاشت. دزموند توتو اغلب به‌عنوان وجدان اخلاقی آفریقای جنوبی و آشتی‌دهنده بزرگ ملی مورد ستایش قرار می‌گیرد.

پیج‌سیکس: «جیمز فرانکو» که هفته گذشته سکوتش را درباره اتهامات آزار جنسی هنرجویانش شکست، به دادگاه شکایت «جانی دپ» احضار شده است. فرانکو و هرد در فیلم‌های «پاین‌اپل اکسپرس» و «خاطرات آدرال» با یکدیگر همکاری کرده‌اند. فرانکو در دادگاه به این پرسش پاسخ خواهد داد که آیا با همسر سابق دپ رابطه مخفیانه‌ای داشته است یا نه.